

ما به فاصله معتاد شده‌ایم

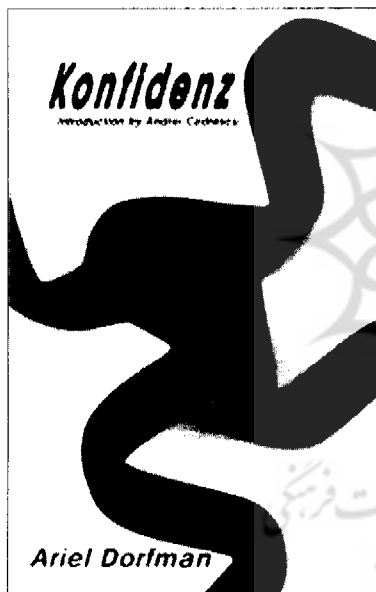
خوشحالم بار دیگر به میان خوانندگان ایرانی می‌آیم. مترجمان، بل‌هایی هستند که این سفر را تسهیل می‌کنند. از شما و خوانندگان‌تان که این فرصت را فراهم آورده‌اید، سپاسگزارم. آریل دورفمن

آریل دورفمن Ariel Dorfman



آریل دورفمن از جمله نویسندگان نسل دوم امریکای لاتینی است که بعد از شکوفایی و انفجار ادبی اواخر دهه ۶۰ شکل گرفت. دورفمن برخلاف اغلب نویسندگانی که در پیرونده‌های گلستانه معرفی کرده‌ام نام ناآشنایی نیست. بسیاری از کسانی که به ادبیات امریکای لاتین علاقه دارند دست‌کم نام کتاب‌هایی را که از او به فارسی ترجمه شده شنیده‌اند. احمد گلشیری رمان بیوه‌ها را به‌عنوان زنان گمشدگان و بعدها با عنوان ناپدیدشدگان به فارسی ترجمه کرده و حشمت کامرانی مرگ و دوشیزه را. عبدالله کوثری رمان اعتماد را. از دورفمن تا به حال بیش از ۳۰ عنوان کتاب چاپ شده. رمان، داستان کوتاه و نمایشنامه، سفرنامه مقالات ادبی، نقد و تحلیل و البته کودکان را هم از یاد نبرده است و نوجوانان را. آثارش به بیش از ۳۰ زبان ترجمه شده و فارسی هم از آن جمله است. دورفمن می‌داند که آثارش به فارسی ترجمه شده. بعضی از آن‌ها با اجازه خودش ترجمه شده که البته بیشتر نوعی احترام به کار نویسنده خلاق است. دورفمن تبعه شیلی است اما در آرژانتین به دنیا آمده در امریکا بزرگ شده و بعدها به شیلی برگشته است.

متولد سال ۱۹۴۲ است. دوسال پیش از پایان جنگ جهانی دوم. دورفمن در دوران دانشجویی وارد مبارزات سیاسی شد. در اوایل دهه ۱۹۷۰ با روی کار آمدن دولت سالوادور آلنده در شمار مشاوران فرهنگی او جاگرفت. در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ که پهنوشه علیه آلنده و با حمایت مستقیم نیروی دریایی امریکا و سازمان اطلاعات مرکزی امریکا، سیا کودتای خونین راه انداخت. دورفمن جان به‌دربرد و زندگی مخفی را آغاز کرد و سرانجام توانست از شیلی بگریزد.



این گریز اما آغازگر راهی است که رمان‌ها و داستان‌های فراوانی از او به بار می‌نشیند. مترجم علاوه بر آن که خود برخی از آثار نویسنده را ترجمه کرده برای تعدادی از آثار دیگر او نیز که مترجمان دیگر ترجمه کرده‌اند از او اجازه گرفته. آخرین آن‌ها کتاب شورش خرگوش‌ها نام دارد که امیلی امرایی ترجمه کرده است و دو رمان دیگر هم دارد که هنوز منتشر نشده و نویسنده متن آن‌ها را در اختیار مترجم قرار داده است. دورفمن ایران را بسیار خوب می‌شناسد و از دیرباز با تاریخ و فرهنگ و روشنفکران آن آشناست و آرزو دارد که روزگاری به این سرزمین بیاید. رمان «امنیت» رمانی کوتاه است که در قطع جیبی منتشر شده یا شاید بگوییم نیم‌پالتویی و ناشر آن هی فستیوال پرس است و کتاب را سال گذشته به بازار فرستاده است. داستان خورش هم از جدیدترین داستان‌های او به‌شمار می‌آید.

دورفمن در دانشگاه دوک در کارولینای شمالی تدریس می‌کند. پدرش از اهالی اودسا اوکراین بود و مادرش اهل مالدیو. آن‌ها در آرژانتین با هم آشنا شدند. در سال پس از تولد آریل به امریکا رفتند. پدر و مادر نام او را ولادیمیرو گذاشته بودند به‌خاطر علاقه‌ای که به ولادیمیر لنین داشتند. پدرش استاد اقتصاد و مؤلف تاریخ صنعتی آرژانتین است. بعد از مدتی به‌علت سیاست‌های نژادپرستانه

آرژانتین پدر و مادر آریل به امریکا رفتند و در آن‌جا هم پس از مدتی گرفتار فشارهای سناتور مک‌کارتی و دوران سیاه ترک‌تازی او مواجه شدند. خانواده دورفمن این‌بار به شیلی مهاجرت کردند و پس از مدتی به تابعیت آن کشور درآمدند. در سال ۱۹۶۸ آریل جوان به دانشگاه برکلی رفت و پس از پایان تحصیلات به شیلی برگشت. پایان‌نامه او به موضوع پوچی در آثار هرولد پینتر می‌پردازد که دانشگاه سانتیاگو آن را به چاپ رسانده پینتر با او دوست شد و تأثیر زیادی بر آثار و تفکر و گرایش‌های سیاسی‌اش دارد. دورفمن معتقد است که نویسندگان باید سراغ داستان‌هایی بروند که حرفی برای گفتن دارند. در داستان‌ها و رمان‌های او با آدم‌هایی روبه‌رو هستیم که آدم‌های مسئله‌دار است. آدم‌هایی که در نهادشان نیرویی نهفته است و اندیشه‌ای که آن‌ها را به بیان منویات‌شان وامی‌دارد. در داستان امنیت که ماجرای آن پس از ۱۱ سپتامبر می‌گذرد. ماجرا در فرودگاهی در امریکا می‌گذرد و اقدامات امنیتی شدید پس‌زمینه آن است. امنیت، بحران هویت، مبارزه و صلح از موضوعات مورد علاقه اوست. دورفمن از آدم‌هایی حرف می‌زند که در گوشه‌های پنهان است و همه‌چیز را ثبت می‌کند. دورفمن دوست ندارد وقایع‌نگاری کند، اما ته داستان‌هایش در جایی به واقعیت مستند می‌رسد. آدم‌ها و داستان‌های او می‌بخشند، اما فراموش نمی‌کنند. او از مخالفان جنگ در خاورمیانه و اشغال عراق و افغانستان است. زمانی که جرج بوش در انتخابات امریکا به پیروزی رسید، دورفمن تا صبح خواب به چشمانش نیامد. می‌دانست

نثوکان‌ها چه در سر دارند. او هم مثل سایر نویسندگان امریکای لاتین شامه تیز سیاسی دارد. ژان پل سارتر را که از چهره‌های برجسته روزگار و ادیبان سیاسی زمان خود به شمار می‌رفت بسیار می‌ستود. سارتر هنوز که هنوز است پرچمدار ادبیات سیاسی و ادبیات متعهد است و هر چند سال‌ها پیش چشم از جهان فرو بسته نقش تأثیرگذار او بر جنبش‌های امریکای لاتین و ردّ بزرگ نشانه جایزه نوبل ادبیات هنوز از یادها نرفته. دهه ۶۰ و سال‌های پایانی آن آغازگر دوران «انتلکتوئل آنگازه» بود. مخالفت صریح ژان پل سارتر با جنگ ویتنام و استعمار دل او را برد. آثار دورفمن به بیش از ۴۰ زبان ترجمه شده و در بیش از ۱۰۰ کشور جهان نمایشنامه‌های او به اجرا درآمد یا از آن‌ها اقتباس شده است. «باران سخت» جایزه بزرگ سود امریکانا را برد و دو جایزه مرکز تنافر کندی از آن جمله‌اند. □



دوست دارم سرکار گذاشتن خواننده را ببینم

I have become addicted to distance

گفت‌وگوی اختصاصی گلستانه در آستانه صد و یکمین شماره با آریل دورفمن نویسنده شیلیایی و استاد دانشگاه دوک.

با سیاس از زحمات خانم جنیفر پراتر

شما در مقام نویسنده در گستره وسیعی کار کرده‌اید، فعال حقوق بشر، رمان نویس، نمایشنامه‌نویس، شاعر و منتقد ادبی از آن جمله‌اند. رمان‌ها و نمایشنامه‌ها و مجموعه شعرها و داستان‌های کوتاه از شما منتشر شده، مقالات متعددی به مناسبت‌های گوناگون

نویسنده‌ام در ایران سخن بگویم. به نظرم دشوارترین لحظات، لحظاتی است که می‌کوشید تا صدای خودتان را بیابید. هیچ‌وقت نترسید از آن‌که با صدایی که یافته‌اید بنویسید. خوشحالم که بار دیگر با خوانندگان ایرانی در مجله گلستانه ارتباط می‌یابم.

اگر پیام خاصی برای خوانندگان ایرانی آثارتان و نویسندگان ایران دارید، خوشحال می‌شوم پیام شما را برسانم.

پرونده

برای من مایه مباهات است که خطاب به همکاران